

هو الله

“Hova’lláh”

جلد دوم

Printed and Published by Century Press Pty. Ltd.
P.O.Box 1309
Bundoora, Victoria 3083
Australia

Hova'lláh (He is God)
A Selection of Prayers Revealed by
'Abdu'l-Bahá
for Children and Youth

این کتاب مجموعه‌ای است از مناجات‌ها و
الواح حضرت عبدالبهاء که برای نونهالان
تهیه گردیده است.

ISBN 0 646 04713 2 (set)
ISBN 0 646 04715 9

Illustrations by Mariya Beale

Calligraphy on the cover by Burhan Zahraí

Reprinted by permission. The prayers, appearing in volumes one and two, were originally published in two volumes under the title *Hova'lláh* by the National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of Iran.

حضرت عبدالبهار ارواحنا فداه میفرمایند :

اطفال هر صبح توجه به ملکوت نموده به ذکر حق مشغول گردند و در نهایت

ملاحت و عطاوت مناجات کنند

آن اطفال به مشایخ نهالند و این تعلیم و مناجات مانند باران که

طراوت و لطافت بخشد و به مشایخ نسیم محبت الله که به اهتر از آرد.

هوائے

ای خداوند مہربان این طفل نازنین صنوع دست قدرت تواند

آیات عظمت تو خدایا این کو دکانِ محفوظ بدار، مویہ برعتیلم کن

موفق بخدمت عالم انسانی فرما . خدایا این طفل در دانه اندر آ

صدف عنایت پرورش ده تویی بخشنده و مهربان .

ع ع



هوائے

خدا یا منم در ظل عنایت پرورش. نہال تازہ ام برشحات

سحاب عنایت پرورش فرما. گیاه حدیقہ محبتم درخت بارور کن.

تویی مقتدر و توانا و تویی مہربان و دانا و مینا.

شوقی افندی علیه بهاء الله الباقی
هو الله

یا صغیر استن و منیر الوجوده از قرار معلوم تقاضای از برای شما

حاصل لهذا مجبور بر راحت شده ای . ضرر ندارد ، گاه گاهی

راحت لازمست . و الا مانند عبدالبهاء از شدت تحمل

شعاع بنیه بکلی ضعیف و ناتوان شود و از کار بازمانی . حال

چند روز راحت کنی ضرر ندارد امیدوارم که در حفظ و حیات جمال مبارک باشی

ع ع



هو الاهی

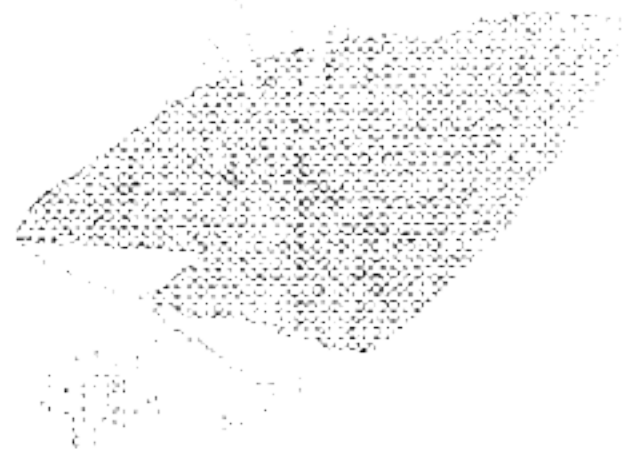
ای خدای محسبان این نوگل گلستان محبت را از شبنم

غایت تروتازه بفرما و این باره نوال بوستان هدایت را به تربیت

باغبان احدیت پرورش ده و این شاخ سبز را در گلشن الطاف مین

پیشکوه و برگ کن و این دانه معرفت را در آغوش صدف رحمت سرو.

ای خداوند هرستمندی را تو اگر نما و هر دردمندی را درمان بخش.



پرفیسری را بکنج روان دلالت کن و برای سیری را از زنجیر قوی

آزادی بخش . تویی توانا و بینا و آگاه و شنوا . تائید احسان ما

ع ع

هو الله

إِلَهِي إِلَهِي تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَوَضَعْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ .

إِنَّكَ أَنْتَ الْفَعَّالُ الْكَرِيمُ وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .

ع ع



هوالتہ

خداوند! تائیدی منہ ما کہ در کمال فقر و فاقہ خدمت آستان

موفق گردیم .

ع ع





هوائے

ای پروردگار این نوجوان را نورانی کن و این بنوار انوایی بخش و آگاہی

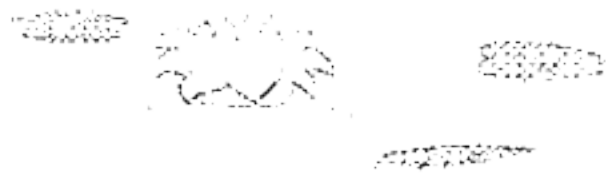
فرما در هر سبک گاهی مدد جدیدی بخش ، تا در پناه تو از هر گناهی محفوظ

و مصون ماند و بخدمت امرت پردازد. گمراهان را هدایت فرما و سچاگان

را دلالت کند . اسیران را آزاد نماید و عاقلان را بیدار کند و بیاد

و ذکرت و ساز شوند. تویی مقتدر و توانا .

ع



هوالمه

ای خدای مهربان این درختان را زینت جنت ابلی نماید

فیض آسمانی پرورش ده . سبز و خرم کن و شبنم ساز نما . پرایه

سندی بوش و تاجی از شکوفه عبقری بر سر نه . ثمره طیبه بخش و شمع

مُعطره عطا فرما . تویی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان .



هوالله

ای خدای مهربان ای رب بخود شکر ترا که این طحال صغیر را بر

بالغان کبیر ترجیح دادی و به الطاف خویش اختصاص دادی تبت

فرمودی . عنایت کردی . نورانیت بخشیدی . روحانیت دادی

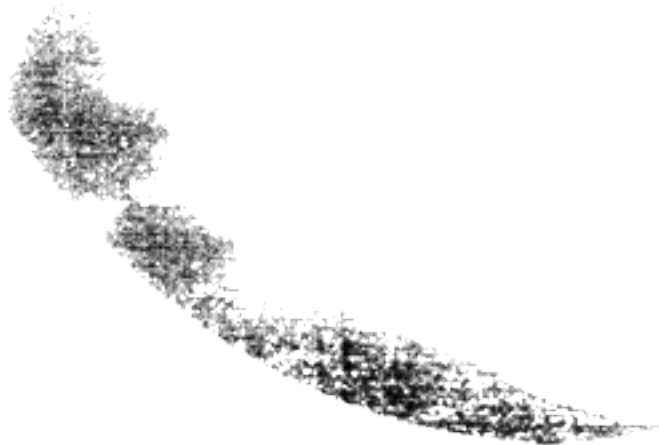
ما را موفق بر آن فتنه ماکه چون به بلوغ رسیدیم به خدمت ملکوتت پردازیم .

سبب تربیت دیگران شویم . چون شمع روشن کردیم و چون ستاره



بخشیم . توئی دهنده و بخشنده و مهربان .

عبدالله عبا



هو المقصود

بِحَاكَمَتِكَ مَعْتَمِدِينَ يَا إِلَهِي هَذَا قَصَبٌ نَسَبٌ نَفْسِي فِي رِيَاضِ مَعْتَمِدَتِكَ وَ

رَمِيَتْهُ بِأَيْدِي رُؤُوسِكَ وَتَقْبَلْتَهُ مِنْ عَيْنِ لَتْنِ نَسِيمٍ فِي عَدَائِي أَعْدِيَّتِكَ وَ

أَنْزَلْتَ عَلَيْنِي مِنْ سَحَابِ رَحْمَتِكَ أَنْظَارَ مَوْجَتِكَ حَتَّى نَشَأَ وَمَا فِي

طَلِّ الْإِطْفَافِ مَشْرِقِ الْوَسْطِيِّتِكَ وَأَوْرَقِ وَأَرْهَرِ وَأَمْرُ سَدِيعِ حُودُوكِ وَ

إِحْسَانِكَ وَتَمَائِلِ بِنَائِمِ مَهَبِ عِيَانِيَّتِكَ . أَمِي رَبِّ اجْعَلْ خَضِرًا



نَصْرًا رَهِيبًا مِنْ تَرْشُحاتِ غمامِ رَحْمَتِكَ الْفائِضَةِ وَمَوْهِبَتِكَ الَّتِي

اِحْتَضَتْ بِهَا هَيْكَلِ الْعَدِيسِ فِي ذَرِّ الْبَعْدِ وَجِوَاهِرِ التَّوْحِيدِ

فِي مَعْرِضِ الْقَعْدِ . اَمَى رَبِّ اَيُّهُ بِتَأْيِيدِاتِ كَلَوْتِ غَيْبِكَ

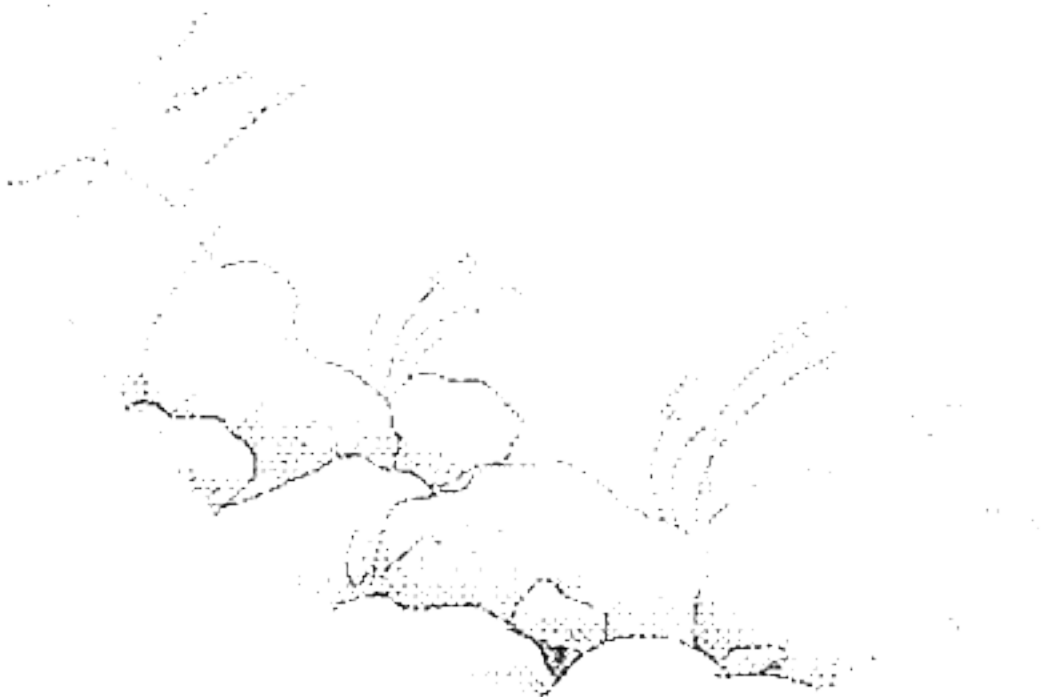
وَالنُّصْرَةِ مَحْمُودِ لَا يَرَاهُ اَعْيُنُ بَرِّيَّتِكَ وَاجَلُّ لَفَتِ مَصْدَقِ عِدَّتِكَ

وَأَطْلَقَ لِسَانَهُ بِذِكْرِكَ وَأَشْرَحَ فُؤَادَهُ بِشَاكُوكِ وَنَوَّرَ وَجْهَهُ

فِي مَلَكُوتِكَ وَيَسِّرْ أَمْرَهُ فِي جَبْرُوتِكَ وَوَقِّعْهُ عَلَى خِدْمَتِهِ أَمْرِكَ .

إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ .

ع ع



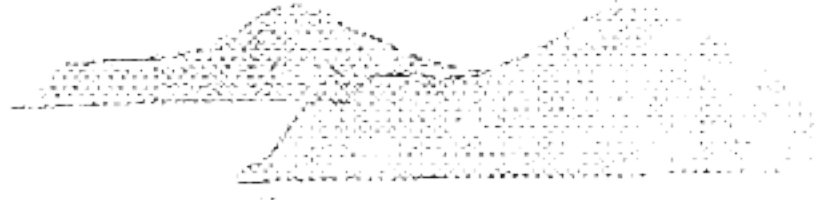
هوالة

رَبِّ اعْرِسْ هَذَا الْقَصَبَ الرَّطِيبَ فِي رِيَاضِ انْطَابِكِ وَأَنْتِ مِنْ جَانِبِ

إِخْتَابِكِ وَأَنْبِئِي بِنَاتٍ حَسَنًا بِفَضْلِكَ وَجُودِكَ. إِنَّكَ أَنْتِ لَمُنْقِذَةٌ

الْقَدْرُ

ع ع



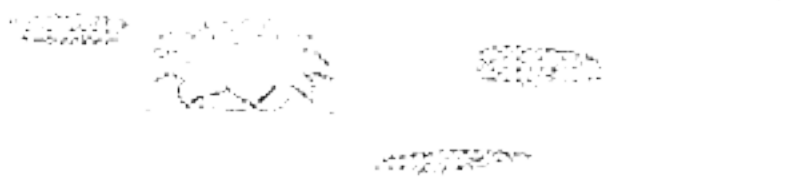
رَبِّ احْضُرْ اَطْفَالَا وُلِدُوا فِي يَوْمِكَ وَرَضِعُوا مِنْ ثَدْيِ مَجْنِكَ

وَتَرَبُّوا فِي حَبْرِ عَيْنَيْكَ . اَيُّ رَبِّ اِنَّهُمْ غُصُونُ نَشَاوَا

فِي حَدِيثِ عَرَفَاتِكَ وَفُرُوعِ نُومَانِي اَيُّكَ اِحْسَانِكَ صَبَّحْتُمْ بِالنَّظَرِ

وَرَحْمَتِمْ لِنَفْسِ غَامِ اَكْرَامِكَ . اَيْمَنَ اَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

ع ع



هو الابهى

يا ربى الرحمن هذا ربحان فى صدقة الرضوان وخصنى فى رياض
العبادان .

اجعلنا مفضلين فى كل حين وان ينعمت
يامان ومفضلين نورا خيلا بفيض سحاب جودك

يا حنان . انك انت الشان .

ع ع

هوائے

ای طالبان تحصیل کمال در نہایت شوق اشتغال ہے۔

کسب کمال دارید . اگر چنین است سر اور ہزار آفرین است

باید دائماً افکار خویش را احصر در تحصیل دانائی نماید تا ارنگوارت

اللہ نماید فی منتہا پایا رسد و بفضل حق در آبادی ایران

و ترقی ایرانیان بذل حسب بیع و سعی عظیم فرماید و در

درگاه الهی مقرب بارگاه رحمانی شوید و عظیم الهباء الالهی

ع ع

هوالتہ

ای خداوند مہربان این مرغان بی پروبال را دو بال ملکوتی بخش و

قوتی معنوی عطا فرما تا در این فضای نامتناهی پرواز کنند و باوج

ملکوت اہی برسند . ای پروردگار این نہالہای بی قوت را قوتی

بخش تا ہر یک درختی بارور در نہایت طراوت و لطافت جلوہ نمایند .

بجزو معنوی نصرت و ظم بخش تا سپاہی اجل و ضلال را در ہم شکنند و اعلام



محبت و عہدی را درین خلق مبدکشند و مانند نیم بہاری اشجار وجود اسانے

را طراوت و لطافت بخشند و بہ مشابہ باران میسانی چمن زار آن فتیلم آید

خرم کنند توئی مقدر و توانا و توئی بخشند و دهر بان .

عبد البہاء عباس

ای پروردگار این دگرگونی را در دو جهان عزیز ما . از جهان خاک

و خاکیان بسزا کن و به جهان باقی همدم و همساز ما . قوت

تأیید بخش و به نفعات روح القدس تقویت ما تا به خدمت قیام

نماید . تویی توانا .

ع ع



هوالتہ

ای طفل عزیز احمدہ در این صغر سن در ملکوت الہی داخل شدی

از فیضات رب بخود بهره نصیب گرفتی . از خدا خواہم کہ در

آغوش محبت اہل پرورش یابی و در نہایت محبت و انجذاب بہ بلوغ

عبد البہاء عجلت

رسی . و علیک البہاء الہی

هو الله

ای نہال بوستان الہی شکر کن حضرت بچون اکہ درجوساً

ہدایت گبری رویدی و بر شحاتِ سحابِ عنایت نشوونا

نمودی . حال وقت آن است کہ برگ و شکوفہ نمایی و

بار و مرغشی و در شاخار حقیقت بہ کمال زمین جلوہ مایی .

ع ع

ہوالابی

ای نہال بوستان معرفتِ الہی افضل و موہبت سمس رحمانی

فیض غمام ممدانی و لواقع ربیع ربانی امید داریم کہ شجر مبارک

بری شوی و درخت پرثمر کردی و در نہایت طراوت

و لطافت در گلشن غایت حضرت احدیت نشو و نما کنی .

ع ع

و البناء علی اہل البناء .



هوائے

ای تلامذہ بستان حمد خدا را که در آسمان حسن استعداد

و قابلیت ظاہر و عیان نمود . اطفال بہائی باید در تحصیل علوم

و فنون از سایر اطفال ممتاز باشند، زیرا مشمول نظر عنایتند

آنچه اطفال دیگر در مدت کمسال تحصیل نمایند، تازہ نہالان جنت عرفان،

کودکان بہائی، باید در مدت یکجاہ تحصیل کنند .

ارزوی دل جان عبدالبهای مهربان این است که نور سیدگان بهای

هر یک در علم و عرفان شیره آفاق گردند و البته نهایت همت سعی

و غیرت در تحصیل علوم و فنون خواهند نمود . و علیکم الهیاء الا.

ع ع



هوائے

ای نہالِ حدیقہٴ حقیقت احمدیہ مانند حضرت کلیم

شعلہٴ طورِ شاہدہ نمودی و لمعہٴ نورِ درخشندہٴ انسانیہٴ ملاحظہٴ کردی

مذایِ آئینِ شنیدی و از قوتِ مذاہنِ شگفتی . حالِ وقتِ آن است

با دیدنیہا، بر خیزی ثعبانِ بسینِ نبیانی و از صغیرہٴ صفا، انہارِ منہجر

فرمانی . از مہبتِ این قرنِ عظیمِ الطافِ جمالِ بسینِ بعدِ نیست



نظریہ استعداد خود مینما . بہ مہرست الہی نظر کن کہ قطرہ را دریا کند

دیشہ را ایسمان منہ ماید . بحال مٹی افائق برید قشہ شی کند

وید قشہ ، ابی لب ، را روی و خوی مٹی ماید .

لَيْسَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ بِعَزِيزٍ وَعَلَيْكَ الْبَہَاءُ الْبَہَاءُ . عبد البہاء عباس

.... ای نورسیدگان نورانی شب و روز جہد نمایند

به حقایق و معانی پی برید و اسرار یوم ظهور ادراک کنید و

حُجج و براین اشراق اسم اعظم را اطلاع یابید . زبان به

شناختن بکشاید و ادله و برهان اقامه نماید . تشنگان!

بمعین مایه حیوان برسائید و مریضان را شمای حقیقی بپسند

شاگردان حق گردید و بیسیان الهی شوید . مریضان انسان!

معابجه نمایید . محرومان را محرم امرار کنید . نایوسان!

امیدوار نمایید . خفتگان را بیدار کنید . غافلان را آهوشمار

نمایید . این است ثمره وجود . این است مقام محمود .

و علیکم البهاء الباقی

ع ع





هوائے

ای نہال بوستان محبت آہ چہ خوشبخت بودی و خوش طالع

کہ در این حدیقه مغروس گشتی و در این بوستان الہی نشو و نما نمودی .

امیدوارم کہ چون ریحان جو بیار عرفان در نہایت طراوت و لطافت

جلوہ نمایی و در اٹھ رحمن منتشر نمایی و نفعہ مشکبارن شاہ کنی .

و علیک التیجۃ و البشراء .

ع ع



ہوالہ

ای نہال بوستان محبت الہی ثناء جمال قدم ہش و نعت و تائیس

اسم اعظم . یعنی چنان بہ ذکر و فکر و ستائش و ثناء جمال مبارک

مشغول شو کہ حقیقت مجسمہ ثنا کردی و پہل مشخّص نعت و ستائش

ربّ الہی . اندم ملاحظہ نمایی کہ سامع مجامع ملکوت بہ آہنگت

مُتَلَدِّذ و نفوسِ محافلِ لاہوت بہ استماعِ محامد و نعتِ مُہتر

و سُبُحْر . و علیک التّحیّۃ و البشّاء
ع



هوالتہ

ای نہال بوستان محبت اللہ شکر کن خدا را کہ در جو بار الطاف

دیدمی و در کاشن محبت اللہ رویدی و از چشمہ حیات نوشیدی و مانندی

سرو آزاد در این بوستان بالیدی پس مانند مرغ سحر بہ شکرانہ این نعمت

جدیدہ شکرانہ بلند نما . از فضل بہاء امید موبت بی سستہ دار

حق تو دارم . و علیک التَّحیَّةُ و التَّشْنَاءُ .
ع ع

هو الابی

ای ریحان بوستان ایمان شکر کن که از این خویسار سید

و از این چمنزار نابت شدی و در این گلزار سلفی و از فیض این سحاب

طراوت و لطافت یافتی . قدر این عنایت را بدان و شرافت

این موهبت را مقسبه باش تا به شکر از اش قیام نمایی .

عع

هو الابهی

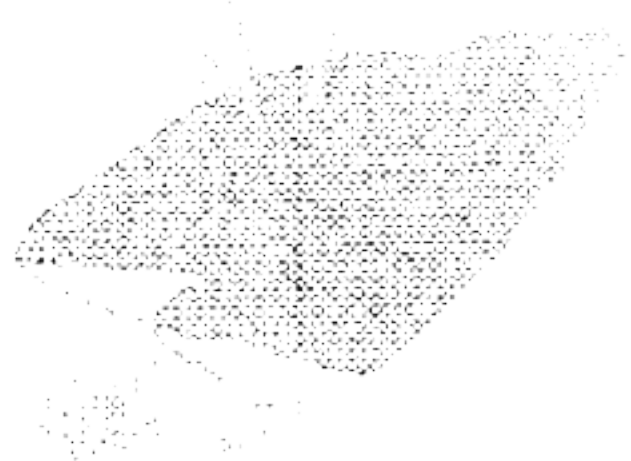
ای نهال بهیال بوستان محبت الله حمد کن خدا را که در

این فردوس الهی غرس شدی و در ظل سدره پُنتهی از فیض

سحاب ملکوت ابهی نشو و نما نمودی و در کنار جویبار توحید

روییدی و چون سرو آزاد از نسائم الطاف ممتزگشته

به عنایت جمال قدم من در خان سبز بالیدی و فیض



قدوم ربیع الہی کل شکوہ نمودی . حال وقت میوہ و عمر است

و ہنگام طلوع کون بر شجر . گوہر بار آور دیوہ خوشگوار

نارکن . امی رب ہذا ریحان مبت فی ریاض اکتیک

و ہذا نبات احصر فی شفاء حیاض رخامتیک و ہذا قضیب ساق

و نما فی عیاض فردائیک . امی رب ائمہ نباتا حنا

حَتَّىٰ يَظَاهِرَ الْآفَاقَ مِنَ النَّفْسِ طَيِّبٍ فَوْحَاتِ أَرْوَاهِ .

إِنَّمَا أَنْتَ الْمُعْطَىٰ الْكَرِيمُ .

ع ع



هوائے

ای دو نھ سال تو تازہ جنت ابھی شکر کیند خدا را کہ در این باغ ا

باید و انشاء اللہ ریشہ ثابت و بیض بر آسمانی نشوونما نماید و از حرارت

شمس حقیقت بکمال و ثمر رسید . این ایام را غنیمت شمرد و قدر این

قرن انوار را بداند تا تواند بکوشید کہ درختی بارور گردید و سراج انور شد

و دو کوب درخشنده در افق خاور و باختر و علیکم السلام

ع ع



هوالة

الهي الهي ابي الود باب الرزقة والالطاف ان تحرس

هدن المظنين لخبين الرضيعين من تذي محبتك مندومة

الاطعار في صون حمايتك من طواف لائل وجوارح الشار .

ثم ايدهما على خدمته عتبة قدك العالمة المنار .

امك انت المصدر العزير العطار
عبد البهاجاس



هو الله

نور محبت الله از پر تو شمس روشن تر است . هر دخی که به

آن نور روشن ، رسک آفتاب است و غبطه مه نانا .

ع ع



هوالتہ

ای نہالہای باغ الہی . سگر خدارا کہ در چین روزی محسوس شد

و در بوستان الہی مغروس گردید و بشکوفہ و شمارہ داشت

گبری مشہور و معروف شد . این از فضل و مہبت پروردگار است

قدر آن بدانید تا تأیید و توفیق از ہر جہت احاطہ کند .

ع ع

و علیکم الہاء الہی .

هو الاهی

ای سبزه نوخیز باغ عنایت باغبان احدیت ترا نهال دست

نشان موهبت فرمود و بوستانی قدرت ترا تربیت کرد

و از جویدار فضل آب داد. رجا از محبوبِ الهی داریم که در نیاست

سزای و خرمی در این جمنستان حقیقی جلوه نمایی. و الهاء علیک

ع ع

هوائے

ای سبزہ نوخیز جنت ابھی وای نہال تازہ گلشن بقا ہر چند در عالم

ناسوت صغیری امیدم چنانست کہ در ملکوت کبیر گردی . ہر چند طفلی احمد سے

بہ ایمان و ایقان بالغ و راشدی . بدان کہ جہان ملکوت نور سیدگان

جنت ابھی راست و فیض لامہوت کو دوکان دستان عشق ا . امیدم



چنین است که در این جویمارِ گلزارِ هدایت به فیضِ رشحاتِ ابرغایت

در آغوشِ الطافِ حضرتِ احدیت نشوونما نیایی و پرورشِ جوی .

و علیک البهاءُ الابهی .

ع ع

هو الأقدس

ای تازه نهال باغ موهبت الله احمد الله پدر مهربان و مادر

ثابت بر ایمان و ایتان داری که از بر جنت حفظ و سلامت و

صون حمایت تو خواهند و علو منزلت و سمو نعت تو جویند . از

خدا خواهم که موفق بر آن گردند که ترا به تربیت الهیه سپردند...

ع ع



ہوا الابی

ای دردانہ بھر محبت اللہ ہر بھری مرجانی دارد و مسد

لوم لوم غلطانی . دریای عشق الہی دردانہ اش قلوب دستان

تعمی و یاران معنویت . پس بکوشش کہ در درتی کمون

گردی و لوم لوم متلماہ مخزون . و البہاء علیک

ع ع



هوائے

ای درقہ لطیفہ صغیرہ چه خوش طالع بودی که حسین مدّری

و حسین مدّری خدا تو عطا فرمود . پدر مظهرِ اللطاف الهی،

مادر مطلعِ انوارِ محبتِ رحمانی برادر نهالِ باغِ عرفانِ یزدانی،

خود نوگلِ بوستانِ تربیتِ ابهائی . خوشا بحالِ تو خوشا

بحالِ تو وَ الْبَهَاءُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آيَتِكَ وَ آيَتِكَ .

ع ع



هوالله

ای نونهالان گلشن محبت الله وای سبزه های نوحیر چمن معرفت الله

در فصل بهار در طرف گلزار ، نهال تازه را اطراوتی بی اندازه است و سبز و

نوحیر را نغمه بی شکینر سلو در الطافت بدیع است و برگ و بار را ترقی

سریع . خون تماشایان به ساحت گلزار گذرند و بر طلعت از بار گزند ،

مشامی معطر یابند و دماغی معنبر . خاطری شاد جویند و دلی آرزو .



پس شما که از ما روده قدسید و امارت شجره ناسن باید در این موسم بربیع

و موقع بربیع ترقی سریع نمائید و با وجهی لمع توجه به ساحت رب سمع کنید که

ای بربیع الاطاف الطیفی بربیع نما و لطافت بربیع بخشا . ما بنا لایم بست

مرحمت کشته . و با آب دل مودت سرشته . محتاج خوبی عطای

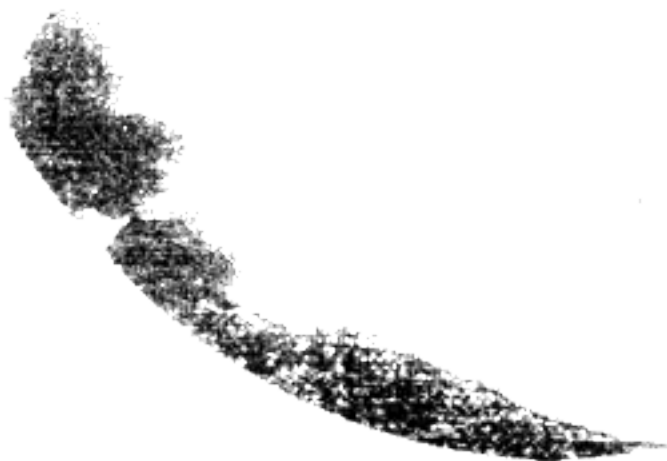
تو نیم و شایان ابرسهای تو . این کشت امید را بخود گذار و از باران عنایت



دیغ مدار . از سحاب جودت بیارتانہاں وجود بیار آید و لبہ مقصود

کنار . و اہماء علی اہل البہاء

عبدالہاء عباس



هوالتہ

ای نوجوان ربانی چدر رحمانی بودی کہ مستوجبِ فضلِ سبحانی شدی

و مستحقِ توفیقِ صمدانی . از دادی غفلتِ ہمدی و بہ سائلِ حقیقتِ رسیدی

و از چشمہٴ ہدایتِ نوشیدی و بہ سوی کعبہٴ مقصودِ دیدی . ندای

حق شنیدی و حولِ مطافِ اعلیٰ گردیدی . و کتابِ فیوضات

نہشتنما بہ نمودی و بارخی روشن از گلشنِ الہی رجوع بہ آن دیا نمودی .

پس نفوسِ امردہ دہ وشتاقان را بشارتِ بخش کہ فیضِ ابدی ہو بہت

آسمانی در این عالم فانی و جهان باقی شاملِ اجامی الہی است و نصیبِ بندگان

آستانِ مقدسِ بانی . و علیک التَّحیَّۃُ و اِلشْناءُ .

ع ع